

## تأثیرات ابن عربی در

در سالهای اخیر، عرصه زیبایی‌شناسی و نقد ادبی عرب شاهد تلاش بارزی در زمینه تفسیر پدیده‌های زیبایی‌شناسانه معاصر در پرتو میراث فرهنگی دوره اسلامی است. کتاب در دست انتشار صوفیه و سوره‌تالیسم تألیف شاعر و نویسنده سرشناس عرب، ادونیس و سلسله مقالات و سخنرانیهای شاعر، ادیب و زیبایی‌شناس معاصر سوری دکتر محی‌الدین اللادقانی از جمله علائم این حرکت پیوسته و تلاش پیگیر برای برقرار کردن پیوند میان حال و گذشته و قدم نهادن آگاهانه در مسیر آینده و کاستن از عیار خودباختگی در برابر غرب و خالص‌تر کردن آلیاژ شخصیت معاصر فرهنگی انسان عرب و مسلمان شرقی است.

دکتر محی‌الدین اللادقانی بر این باور است که منتقدان معاصر عرب، هرگاه از خیال در نقد ادبی سخنی به میان آورده‌اند، به نظریه کولریج استناد کرده‌اند و کمتر کتابی است که در این زمینه تألیف شده باشد و در آن اشاره‌ای به نظریه معروف کولریج - مستقیم و غیرمستقیم - به میان نیامده باشد. اما این منتقدان، آن مابه که به آرای پدر واقعی نظریه خیال - کولریج - توجه کرده‌اند، به تأثیرات متفکر و دانشمند بزرگ جهان اسلام - ابن عربی - عنایت نداشته‌اند.

به نظر دکتر اللادقانی سهم ابن عربی در شکل‌گیری نظریه خیال در جهان معاصر غرب، سهم بسیار بالا و بسزایی است به گونه‌ای که شخص تحقیق‌کننده از وجوه اشتراک و شباهت‌های فراوان آرای ابن عربی و آنچه نظریه‌پردازان و هنرمندان غرب ارائه داده‌اند دچار حیرت و شگفتی می‌شود. به نظر این محقق عرب، شباهت فراوانی میان نظریات ابن عربی و آنچه امثال کولریج، زمبو، بودلر، و طرفداران زیبایی‌عام همچون کلودیونارد و دیگر نظریه‌پردازان دو قرن اخیر ارائه داده‌اند، وجود دارد.

شجاعت ابن عربی نیز در این مضامین نمودنی است. این سخنان را ابن عربی در زمانی طرح کرده که در آن با موانع متعددی چون موانع اخلاقی و ادبی روبرو بوده است. عصر ابن عربی، عصری است که متکلمان و فلاسفه، عرصه را بر نوآوران و مبدعان تنگ کرده‌اند. ابن عربی در روبرویی با فلاسفه و فقهایی که به سبب جمود و تنگی افق بینش و دشمنی با پدیده‌های نو راه را بر ابتداع بسته بودند، جرأت بیشتری از خود نشان می‌دهد. «آنها که موهبت خیال را انکار می‌کنند، به انکار قدرت خداوند برخاسته‌اند» ابن عربی با این سلاح توانمند و هول‌آور پا در عرصه نبرد با فلاسفه و فقها می‌گذارد.

به عقیده اللادقانی ابن عربی در این نبردها، گاه به سمت افراط نیز میل می‌کند و تا جایی پیش می‌رود که می‌گوید صاحب «کشف» می‌تواند در شرکب

دوات، همه حروف و کلمات نهفته را مشاهده کند. و این گونه‌ای «شطح» خیالی است که نظیر آن را جز در گفته‌های امثال رمبو آن هم در قرن نوزدهم نمی‌توان دید.

بعضی از جوانب نظریه خیال ابن عربی را نمی‌توان به این عنوان که خیال، یکی از ملکه‌های معروف بشر است، مورد بررسی قرار داد، چرا که ابن عربی اندیشه‌ای را مطرح می‌کند که در نهایت پیچیدگی و غموض است و آن را سیر و سفر روحانی (الاسراء الروحانی) می‌نامد و به توانایی‌های خارق‌العاده الهی پیوندش می‌دهد. مشکل خیال متافیزیکی و خیال زمینی در دیدگاه ابن عربی و مقایسه و تفکیک این دو برای دانشمند معروف فرانسوی هائری گرین نیز پیش آمده و وی این مسأله را در کتاب مهم خویش خیال خلاق در تصوف ابن عربی مورد توجه قرار داده است. دکتر محمود قاسم نیز در کتابی که درباره مرام و مذهب ابن عربی تألیف کرده با همین دشواری روبرو شده است و این مسأله را اگر نگوئیم از زاویه‌ای کاملاً مخالف، از زاویه‌ای دیگر بررسی کرده است. در جایی که هائری گرین مبثی را بر شروع از خیال متافیزیکی و رسیدن به خیال انسانی می‌گذارد، دکتر محمود قاسم ترجیح می‌دهد تا از خیال انسانی شروع کند. وی وعده تکمیل بحث و رسیدن به خیال متافیزیکی در دیدگاه ابن عربی را به تحقیقاتی که هنوز منتشر نشده، موکول کرده است.

دکتر اللادقانی از دیدگاه انتخاب روش، جمع بین روش هائری گرین و روش دکتر محمود قاسم را پلامانع می‌داند، چرا که موضوع خیال، ریشه‌ای حسی و مرتبط به زمین دارد و دانشها و تصورات بشری امتدادها و تجلیاتی غامض دارند که درک تمامی آنها با تکیه بر عقل بشری ممکن نیست، زیرا این دانشها با دانشهای حدسی و کشفیات روحی مرتبط‌اند و از همین جا جمع بین روش گرین و روش دکتر محمود قاسم، آغاز می‌شود. ابن عربی طرح مفهوم خیال و تطور و دگرگون‌سازی آن را به شیوه شاعران رمانتیک قرن نوزدهم با بردن از عقل و تشکیک در شیوه‌های عقلانی و اسلوبهای ناتوان آن آغاز می‌کند. وی می‌گوید که عقل از کشف توانایی‌های روح، ناتوان و عاجز است و شایستگی آماده ساختن راه برای ایمان را ندارد. همچنین عقل، صلاحیت داوری درباره تجربه‌های روحی و وجدانی را فاقد است. ابن عربی در شوروش بر عقل و مبالغه در بالا بردن شان خیال به جایی می‌رسد که در صلاحیت عقل برای کسب معرفت و دانش نیز شک می‌کند. «کسی که به مرتبه خیال آگاهی ندارد، بالکل ناآگاه و بی‌دانش است، و این رکن از شناخت اگر برای شناسندگان حاصل شده باشد، بوی از شناخت و معرفت نبرده‌اند». شاید علت این موضع‌گیری از جانب ابن عربی، تلاش

## زیبایی‌شناسی و نقد ادبی معاصر



برای گذاشتن مرز و نشانه‌های روشن، بین علوم ظاهر و علوم باطن باشد. آنجا که عقل، وسیله و شیوهٔ اهل ظاهر برای رسیدن به حقیقت است، اهل باطن نیز به ناگزیر باید وسیله‌های داشته باشند. و این‌عربی با هوش و فراست عمیق خود، خیال را به عنوان وسیلهٔ اهل باطن برمی‌گزیند تا نورانیت و قدسیت آن در مقابل وسیلهٔ اهل ظاهر یعنی عقل موازنه و تعادلی بدید آورد.

به اعتقاد این‌عربی، خیال از نیروهای معنوی است که با رشد انسان، رشد می‌کند. این‌عربی به خیال، نقش واسطه را میان عالم حسی و عالم غیبی می‌دهد و آن را آزاد می‌گذارد تا مدام بر توش و توان خود بیفزاید. از دید او همهٔ نیروهای معنوی مثل عقل و حافظه، کامل متولد می‌شوند مگر خیال که ابتدا کوچک و محدود است اما به مرور رشد می‌کند، و متناسب با عمر و فزون شدن تجربه، تحول و تکامل می‌یابد.

این‌عربی در توصیف خیال به راه اخوان‌الصفا می‌رود و طبیعت خیال را نورانی می‌داند: «از میان همهٔ آفریده‌های نوری، خیال به صفت نورانی سزاوارتر است. نور خیال شبیه دیگر انوار که تجلیات بدانها درک می‌شوند، نیست. خیال، نور چشم خیال است نه نور چشم حس»<sup>۹</sup>.

و نظریه همین طبیعت نورانی، این‌عربی امکان خطا را از خیال، دور می‌کند، چرا که خیال مصدري برای حکم کردن نیست و اگر در شناخت، خطایی صورت دهد، واجب است آن خطا را به عقل که مصدر حکم و تمیز و در عین حال مصدر خطا و قصور است، نسبت داد. این‌عربی ادراک خیالی را از ادراک حسی جدا می‌کند و ادراک خیالی را در جایگاه بالاتری قرار می‌دهد و تفاوت‌های موجود را در آنچه ما به چشم خیال و چشم حس درک می‌کنیم، باز می‌نمایاند. این‌عربی با همین شیوهٔ منحصر به فرد خویش توانست خیال مبدعان را از خیال مجابین و دیوانگان، جدا و متمایز کند.<sup>۱۰</sup> به اعتقاد دکتر اللادقانی با این همه این‌عربی خود توانست از خیالات اهل هذیان Hallucination برکنار و در امان باشد. در جایی ادعا می‌کند که خیال او را به نمایش عرش برده و سپس به توصیف پایه‌های نورانی عرش و پرندگان رنگی که در سایهٔ عرش به بازی و جست و خیز مشغول بودند، می‌پردازد. و در جای دیگر ادعا می‌کند که ذات الهی را دیده است. شاید شطحیاتی از این دست در دیدگاه یونگ (که این موارد را به نشانه‌ها و رموزی که زخمه بر تارهای بخصوصی در ذهنیت متعالی می‌زنند، نسبت می‌دهد) قابل تفسیر باشد.<sup>۱۱</sup>

در کنار این سخنان شطح گونه که به سادگی برای عقلا قابل تفسیر نیست، این‌عربی مجموعه‌ای از افکار ارزشمند و استثنایی را ارائه

می‌کند. این‌عربی می‌گوید خیال در خلال خواب عمل می‌کند. و در حین خواب، آگاهی روح را بر صورت‌هایی که ذخیره و جمع‌آوری کرده است به پادشاهانی تشبیه می‌کند که در هنگام فراغت به خزانهٔ خود، سر می‌زنند تا چیزهای تازه‌ای در آن بیابند.<sup>۱۲</sup> و این نگاه ما را به یاد روش منشقد سمبولیست تندال (Tindal) می‌اندازد که عالم مشهود و مرئی را مخزن تصاویر و اشارات می‌دانست. گنج نهفته‌ای که نیازمند کسی است تا آن را کشف کند و با خیال خود جایگاه آن را آماده سازد و بر ارزش آن بیفزاید.<sup>۱۳</sup>

دست‌آورد بزرگ اندیشهٔ این‌عربی در وضع و ابتکار علم موسوم به «الضریه» یا «الرمیه» یا «النظرة» است.<sup>۱۴</sup> و منظور این‌عربی از این علم، حدس خیالی است که بدون آگاهی و اطلاع قلبی، درخشیدن می‌گیرد تا در چشم بهم زدن حقیقت پیچیده و غامض اشیا را روشن و آشکار نماید. پس انسان مدع و مخترع به این علم نیز مبدون است، زیرا از طریق همین علم، در لحظه‌ای از لحظات، عقل، متوقف و شناخت حدسی از رهگذر «الرمیه» تنها وسیله کشف می‌شود. و حدس خیالی که شاید بتوان از آن به عنوان نبوغ و وجه مشترک میان شاعران و دانشمندان، تعبیر کرد، راه یگانه‌ای می‌شود برای انجام اعمالی که آنها را تازه و بدیع و ابتکاری می‌نامند. علم «الرمیه» راه را برای تحول و تکامل نظریات حدس خیالی بخصوص در نزد کسانی چون بودلر و ریمو هموار کرده است که با کمی دقت ریشه‌های این نظریه را می‌توان در شطحیات این‌عربی سراغ کرد و نشان داد.

#### پادشاهها:

۱. محیی‌الدین بن عربی - الفتوحات المکیه ج ۳، ص ۴۵۶
۲. محیی‌الدین بن عربی - الفتوحات المکیه ج ۳، ص ۳۷۷
۳. محیی‌الدین بن عربی - الفتوحات المکیه ج ۳، ص ۱۲۱
۴. محیی‌الدین بن عربی - الفتوحات المکیه ج ۲، ص ۶۹۱
۵. محیی‌الدین بن عربی - الفتوحات المکیه ج ۱، ص ۳۰۶ و اصل این اندیشه از ارسطو است که تخیل را مشتق از نور و رویا را بر آن متکی دانست.
۶. محیی‌الدین بن عربی - الفتوحات المکیه ج ۳، ص ۲۳۶

7. Jung C. G. The integration P.60

۸ - محیی‌الدین بن عربی - الفتوحات المکیه ج ۲، ص ۳۷۸

9. Tindal W. Y. The Literary symbol P. 48.

۱۰. این‌عربی این سه کلمه را برای اشاره به یک معنی به کار می‌برد و در عمل تفکیک تفاوت‌های این سه کلمه آن گونه که در ذهن این‌عربی وجود داشته، کار دشواری است.

۱۱. رویا به شیوهٔ ارتباط و توالی حواس و حدس، اختلاف چندانی با علم‌الرمیه نزد این‌عربی ندارد. برای اطلاع بیشتر می‌توان رجوع کرد به توشیح الشع الحذیث اثر دکتر عبدالغفار مکنساری ص ۹۹ و P252 in Forces in modern British literature اثر Tindal.

